



بحران اقتصادی جهان و توسعه ماسه سنگ‌های نفتی

کم تر از شش ماه پیش بود که توسعه دهندگان ماسه سنگ‌های نفتی (نفت سنگین) کانادا، با سرعت تمام در حال کار بودند تا از مزایای نفت ۱۵۰ دلاری سود ببرند. اما در حال حاضر، همه به جز یک شرکت اعلام کرده‌اند که در پاسخ به نفت ۶۰ دلاری، فعالیت‌های خود را کاهش خواهند داد. ریک جورج، رئیس و مدیر عامل Suncor قدیمی ترین شرکت کانادایی فعال در زمینه ماسه سنگ نفتی، استراتژی خود را در گفت‌وگو به باربارا شوک، رئیس مؤسسه هوستون بیورو^(۱)، به بحث گذاشته است.

بسیاری در نوبت اجرا قرار گرفته‌اند. به طور مثال می‌توان به کرل لیک^(۲) که توسط شرکت اگزرا می‌شود اشاره کرد. شرکت توتال نیز پروژه‌هایی در دست اجرا دارد، شرکت هاسکی، CNL نکسن و شرکت ما نیز در زمره همین شرکت‌ها قرار می‌گیریم. یک دوجین از این شرکت‌ها وجود دارند. این امر فرصتی به وجود می‌آورد تا زیرساخت‌هایی در اطراف شهر فورت مک کوری^(۳) (در آلبرتا) به وجود بیاوریم، هزینه‌ها را کاهش دهیم و با دسترسی به نیروی کار، از تورم موجود بکاهیم. در ورای ابرقیمت‌های پایین نفت خام، رشته‌هایی نقره‌ای در ذهن من وجود دارد. در شش سال گذشته، صنایع در سراسر جهان با رشد تورم بالایی دست و

ترجمه: جواد سپهری

به نظر شما در صورتی که قیمت نفت خام WTI تا یکسال در محدوده ۶۰ تا ۷۰ دلار باقی بماند، تا چه حد فعالیت بر روی ماسه سنگ‌های نفتی، کند خواهد شد؟

قطعاً این فعالیت‌ها کاهش خواهد یافت و به نظرم این کاهش در مورد پروژه‌های دیگر نیز اتفاق خواهد افتاد. اما اگر به بازه ۱۰ سال اخیر نگاهی بیندازیم، فکر نمی‌کنم تغییر چندانی رخ داده باشد. در آلبرتا شمالی، فعالیت‌ها بسیار شدید بوده است. نکته‌ای که وجود دارد این است که صنعت نفت‌های سنگین، بسیار رقابتی است. پروژه‌های

پیمانکاران و سازندگان، کنترل قیمت ها و هزینه ها را در دست داشتند. در وضعیت جدید، نقطه تعیین قیمت ها دوباره به دست صنایع خواهد افتاد و فاصله ایجاد شده بین میزان کار موجود در کانادا برای این پروژه ها و نرخ هزینه ها به سطح معقولانه تری خواهد رسید. امروزه در این واحدها، کارگرانی از برزیل، فیلیپین و آمریکا وجود دارند که هزینه های بالایی را به ما تحمیل می کنند. با این که خدمات این نیروی کار، ارزنده بوده است اما باید به شرایط حقیقی باز گردیم.

آیا از تمام فرصت ها و ظرفیت های ماسه سنگ های نفتی این منطقه استفاده شده است؟

این مخزن اولین و یادومین حوضه بزرگ نفت سنگین در دنیا است. بهترین قسمت های این حوضه که قرار است طی ۵۰ تا ۷۵ سال آینده توسعه یابند، اجاره داده شده است. بخش های خوبی در این منطقه یافت می شود. در بخش SAGD (ریزش ثقلی با کمک تزریق بخار) چاه های ما به طور روزانه ۲۰۰۰ بشکه بیتومن^(۴) تولید می کنند. کرل لیک نیز از موقعیت خوبی برخوردار است، این شرکت ها، این مناطق و مخازن را برای زمانی طولانی در اختیار دارند. اما در حاشیه این حوضه، مشکلات بیشتر است. در آن قسمت ها، سنگ پوش خوب وجود ندارد. لایه ها نازک ترند و آب بیشتری وجود دارد. قسمت هایی وجود دارد که ممکن است تا سال ها، توسعه داده نشوند. در آینده ممکن است تکنولوژی لازم برای بهره برداری مؤثر از آن ها به وجود بیاید.

شما در مورد ماسه سنگ های نفتی صحبت کردید که به زودی دیگر جزء منابع نفتی غیر مرسوم به شمار نخواهند آمد؛ دلیل شما چیست؟

به نظر من با توسعه روش هایی مانند SAGD در مقایسه با روش سنتی استخراج معدنی، این اتفاق روی خواهد داد. بسیاری عقیده دارند که ماسه سنگ نفتی یعنی مقدار ناچیزی نفت. اما به نظر من، این نوع مخازن دارای معایب و مزایای زیادی هستند. بهترین مزیت آن ها، حجم بسیار بالای آن ها است. این مخازن با افت روبرو نیستند. وقتی در یک منطقه سرمایه گذاری می شود، باید در نظر داشت که این سرمایه گذاری برای حدود یک قرن خواهد بود. این صنعت دارای سود ناخالص بالایی است و با تجارت معمولی تفاوت هایی دارد. زیرا هزینه های ثابت نسبتاً بالا و هزینه های متغیر پایینی دارد. امروزه که نفت به ۶۰ دلار در هر بشکه رسیده است، هزینه های عملیاتی ما، نزدیک به ۳۰ دلار است. یعنی حدود ۳۰

پنجه نرم کرده اند. نکته مثبت آن است که چرخشی که تا به حال به سود بسیاری از پیمانکاران و سازندگان و نیروی کار می گشت، دارد به سمت یک نوع تعادل پیش می رود. خوشبختانه می توانیم وارد وضعیتی شویم که هزینه هایمان را بهتر کنترل کنیم. در پنج سال آینده، شرایط به مراتب بهتر خواهد شد. در این صنعت، حدود هر ۱۰ سال یکبار، اتفاق خاصی روی می دهد که نقاط ضعف و سستی را از بین می برد. بسیاری از کسانی که در این صنعت هستند، افرادی هستند که تنها ملکی دارند که هیچ برنامه ریزی مشخصی برای آن نکرده اند. در این میان، اشخاصی موفق خواهند بود که بتوانند شرایط تجاری خود را مدیریت کنند، ترازنامه های خود را مدیریت نمایند و تصمیم درست بگیرند.

می توانید توضیح دهید چرا کاهش فعالیت ها به نفع این صنعت است؟

شما شهر فورت مک موری را در نظر بگیرید. ده سال پیش، این شهر ۲۵ تا ۳۰ هزار سکنه داشت، امروزه جمعیت آن به ۸۰ تا ۹۰ هزار نفر رسیده است و حدود ۲۰ هزار نفر نیز در واحدهای کاری زندگی می کنند. در این شهر، صف های طولانی در مقابل مغازه ها وجود دارد. مدرسه ها و امکانات پزشکی برای شهری با نصف این میزان جمعیت در نظر گرفته شده است. به اندازه کافی، امکانات ورزشی و مدرسه وجود ندارد. این فرصتی برای ایجاد زیرساخت های لازم در این شهر است. نیاز حقیقی این شهر، ایجاد واحدهای کارگری مجزا نیست، بلکه ایجاد اجتماعی است که در آن، ما به این که فرزندانمان در آن زندگی می کنند افتخار کنیم. هنوز به این سطح نرسیده ایم. اولین مرحله رشد در دهه ۱۹۶۰ روی داد که شرکت سانکور اولین نیروگاه خود را در اینجا ایجاد کرد. در آن زمان، جمعیت شهر از ۵ هزار به ۱۰ هزار نفر رسید. پس از آن وضع به آرامی پیش رفت تا این که شرکت Syncrude در اواخر دهه ۱۹۷۰ در اینجا مستقر شد. پس از آن و تا قبل از سال ۱۹۹۸ فعالیت ها به آرامی گسترش یافت. اما در ده سال گذشته، میزان سرمایه ای که به این منطقه وارد شده به شدت بالا رفته است. این حجم سرمایه، مبهوت کننده بوده و ما این فرصت را نداشته ایم که خود را با آن انطباق دهیم. منظورم از ما، صنایع و دولت های ملی و محلی است. حال فرصت ایجاد زیرساخت ها به وجود آمده است تا شهر را به صورت، شهری خانوادگی در آوریم تا هر کسی به زندگی در آن افتخار کند. آرزوی من این است که این شهر به بهترین شهر کوچک در کانادا تبدیل شود. در پنج سال گذشته،

می‌کنند. زمان‌هایی هست که عملیات ارتقاء دادن سودآورتر است و در برخی دوره‌ها، صنایع بالادستی و تولیدات مؤثر، سود بیشتری به دنبال دارد. داشتن شرکتی مانند سانکور که هم در بخش بالادستی و هم در زمینه تولید بیتومین، فعال است، یک امتیاز بزرگ محسوب می‌شود. در مسیر توسعه‌ای که ما طی می‌کنیم، خرید دارایی‌ها و املاک، اولویت چندانی ندارد. **شما دارای ترازنامه خوبی هستید، دارایی‌های مالی خوبی دارید و کلاً وضعیت شما مناسب است. آیا هیچ شرکت نفتی ملی یا بین‌المللی، درخواست همکاری با شما داشته است؟**

افراد همیشه به دنبال فرصت می‌گردند. اما جواب سؤال شما منفی است. در طول مدت ۱۶ ساله که من ریاست سانکور را به عهده داشته‌ام، با هیچ شرکت نفتی بین‌المللی مذاکره نکرده‌ام. سانکور معمولاً در پروژه‌های اصلی خود شریکی نداشته است. ما صاحب ۱۰۰ درصد تولید بیتومین و امتیازمان، که شامل ۱۵ میلیارد بشکه ذخیره است، هستیم. ما ظرفیت‌های فراوانی از ارتقاء دهنده و همچنین بیتومین داریم و در حال

دلار نیز سود ناخالص دارد. کدام صنعت دیگری راسراغ دارید که این‌گونه باشد. مردم معمولاً به تجارتي توجه می‌کنند که منحنی نزولی نرمالی دارد که بسیار با صنعت ما متفاوت است. **آیا تغییر رژیم مالکیت در آلبرتا، تأثیری بر شرکت Suncor داشته است؟**

این تغییرات در صنعت گاز بیشترین تأثیر را داشته است. صنایع مرتبط با گاز در آلبرتا، روبه کاهش گذاشته و در عوض در ایالت‌های بریتیش کلمبیا و ساسکاچوان^(۵) توسعه داده شده‌اند. صنایع ماسه سنگ‌های نفتی تأثیر قابل توجهی پذیرفته‌اند. بخشی از این امر به این خاطر بوده که این تغییرات دارای یک مقیاس تدریجی است که از ۵۵ دلار در هر بشکه شروع و به ۱۲۰ دلار در هر بشکه می‌رسد. با در نظر گرفتن این امر، می‌توان فهمید که تأثیرات در بخش نفت سنگین، عاملی مهم و فراگیر نبوده است.

آیا هنوز انتظار دارید که به سطح تولید ۳۰۰ هزار بشکه در روز دست پیدا کنید؟

بله. ما با چند مسأله عملیاتی روبرو بودیم. بیتومین از لایه‌های مختلف معدن به دست می‌آید و محتوای ماسه آن، میزان نمک، میزان سنگینی و غوطه‌ور شدن یا شناور شدن در آب برای هر لایه متفاوت است. دما نیز به شدت تغییر می‌کند، از منفی ۴۰ تا مثبت ۴۰ درجه سانتیگراد. بنابراین باید این شرایط را در نظر داشت.

در حالی که ارتقاء دهنده با تأخیر تحویل شرکت Suncor خواهد شد، آیا با ظرفیت ارتقاء دهنده‌های موجود به فعالیت خواهید پرداخت یا کارخانه آمریکایی دیگری خواهید خرید؟

نه. نیاز ما چندان حیاتی نیست. به نظرم طی ۱۲ تا ۱۸ ماه آینده، با وضعیت موجود کنار خواهیم آمد. حدود ۴ سال پیش ما دو پالایشگاه دنور را خریدیم تا بتوانیم میزان پالایش خود را کنترل نماییم. ظرفیت ارتقاء دهنده‌های ما بالاست و چیزی حدود ۳۵۰ هزار بشکه در روز است. مسأله ما کمبود بیتومین است. فشارها بیشتر از جانب افرادی است که در خلیج مکزیک کارخانه‌های کک‌سازی را اداره



محیطی و توسعه پایدار، به بخشی از یک فرهنگ ریشه دار در Suncor تبدیل شده است. این فرهنگ چگونه رشد کرده است؟

صنعتی که ما در آن فعالیت داریم نسبت به سایر بخش های صنایع و تجارت ها، ارتباط شدیدتری با انرژی دارد. حال این سؤال پیش می آید که سانکور چگونه به عنوان یک توسعه دهنده ممتاز عمل کرده است و چگونه با وجود رشد نظارت های اجتماعی، موفق بوده است. ما همیشه انتظار داریم، تقاضاهای عمومی افزایش یابد، اما این افزایش سریع تر از حد انتظار ما بوده است. صدای شدیدالحن منتقدین صنعت، همیشه به دنبال خرده گرفتن در مورد هر نوع اطلاعاتی است. به نظرم، ما در زمینه دادن اطلاعات، خوب و سنجیده عمل نکرده ایم. به نظرم با کند شدن رشد اقتصادی و کم شدن طاقت مردم درباره این انتقادات، فرصت مناسبی برای ما به وجود آمده تا بیشتر خودمان، پیشرفت ها و اهدافمان را معرفی کنیم. این کاری است که باید مداوم صورت گیرد. بخش نفت سنگین (ماسه سنگ های نفتی) نیز مانند سایر بخش های صنایع ضربه خورده است و صنایع به طور کلی نتوانسته اند خود را به خوبی معرفی کنند. ما اجازه داده ایم که سایر افراد، سررشته سخن را به دست بگیرند.

درآمدهای سه ماهه سوم، کاملاً قاطع و قوی بوده اند. آیا سود ۲۹ درصد در مقاطع سه ماهه، روند پایداری داشته است؟

شما چه قیمتی برای نفت در نظر گرفته اید؟ قطعاً قیمت نفت از آن زمان تا کنون سیر نزولی داشته است و بنابراین نمی توان انتظار ادامه روند رو به رشد (درآمدها) را داشت.

کدام حالت بیشتر به نفع شما خواهد بود، دلار کانادای قوی یا ضعیف؟ تضعیف دلار کانادا در مقابل دلار آمریکا، به سود ما خواهد بود. چون درآمدهای ما بر حسب دلار آمریکا و هزینه های مان بر حسب دلار کانادا است. اگر قیمت نفت خام از ۱۰۰ به ۷۵ دلار آمریکا در هر بشکه و دلار کانادا از برابری دلار آمریکا تا نرخی که امروزه قرار دارد، نزول کند، تقریباً بیش از نیمی از این نزول قیمت نفت، با نزول قیمت دلار کانادا جبران می شود.

پی نوشت:

۱. Houston Bureau.
۲. Kears Lake.
۳. Fort MC Murray.
۴. bitumen.
۵. Saskatchewan.

حرکت رو به جلو هستیم. این در حالی است که به طور مثال Syncrude هشت شریک و حتی (رویال داچ) شل نیز دو شریک دارند. اما من دوست دارم در شرایطی باشم که بتوانم سرنوشت خود را کنترل کنم نه توسط جلسات با شرکاء. اگر شما نظر بیشتر شرکت ها را جویا شوید آن ها هم ترجیح می دهند که سرنوشتشان را خود در اختیار داشته باشند نه شرکایشان.

با توجه به قیمت سهام و نظرات تحلیلگران، به نظر می رسد بازار واکنش مطلوبی به کاهش در سرمایه گذاری داشته است؟

بله، به نظرم آن ها این امر را حرکتی در جهت کاهش فعالیت ها و ماندن در شرایط کنونی ارزیابی کرده اند. به اعتقاد من، چیزی که ما نشان دادیم احتیاط و انعطاف پذیری و راهی برای جلو رفتن بود. باید بگویم در این شرایط، ما یکی از معدود شرکت هایی هستیم که توانسته واقعاً هزینه را کاهش داده و به رشد ادامه دهد.

شما اقدامی در جهت متوازن کردن میزان انتشار CO₂ نیروگاه های بادی و بیوسوخت ها انجام داده اید؟ اما چالش اصلی، جمع آوری CO₂ در نقطه انتشار آن است. شما در این زمینه چه کار کرده اید؟

این دقیقاً همان چیزی است که باید روی دهد. ما به زیرساخت هایی نیاز داریم، به خط لوله ای که از مناطق مرکزی آلبرتا که میدان های قدیمی نفت و گاز وجود دارند، آغاز شده، از ادمونتون می گذرد و به فورت مک موری می رسد. این خط لوله را می توان به یک بزرگراه بین دو ایالت تشبیه کرد. این خط لوله باید طوری باشد که همه بتوانند CO₂ را به آن وارد و هر کس که لازم داشت از CO₂ آن استفاده کند. ما توافقاتی جدی با بعضی سطوح دولتی، فدرال و ایالتی و بعضی صنایع داریم. این امر مطمئناً برای همه هزینه هایی دارد و پروژه ارزانی نخواهد بود. در شرایط موجود نیز، این پروژه ارزان و سریع نیست. شما با تعداد زیادی از انتشار دهندگان CO₂ روبرو خواهید بود که در بالای این لیست، نیروگاه ها قرار دارند که بزرگ ترین انتشار دهنده CO₂ به شمار می روند. نیروگاه های هیدروژن را داریم که گاز طبیعی مصرف می کنند و کربن تولید می نمایند. در بعضی مناطق، تولید گاز از کک های نفتی را داریم که میزان قابل توجهی دی اکسید کربن تولید می کنند که می توان جمع آوری کرد. این مسیری است که دنیا باید به سمت آن برود. رکود اقتصادی اخیر، این روند را کند کرده است اما ما باید زمینه های این کار را در طول زمان فراهم کنیم.

بررسی گزارش ها بر روی پایگاه شبکه شما، نشان می دهد که اثرات